



Global Storybooks

globalstorybooks.net

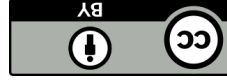
پښتانه، سڼی و گاو

✎ Fabian Wakholi!

✉ Marleen Visser, Ingrid Schechter

✉ Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-

e Danesh Library)



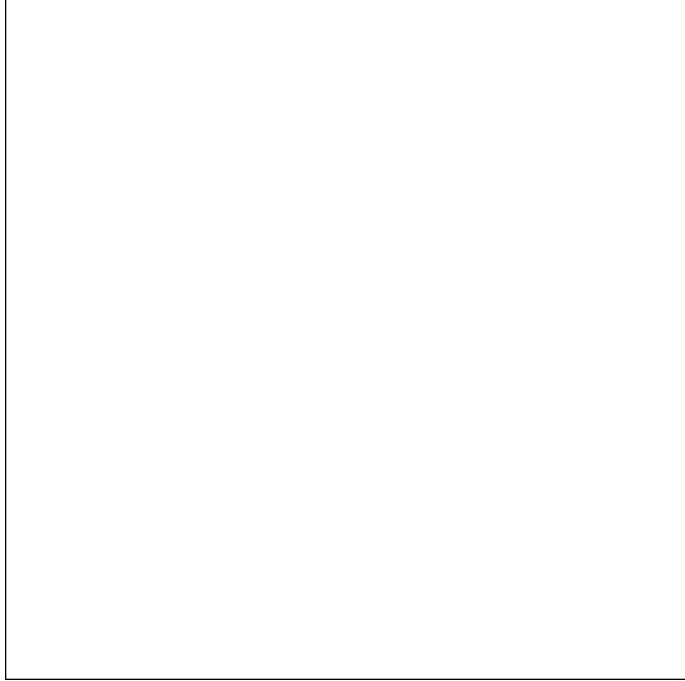
This work is licensed under a Creative Commons

[Attribution 3.0 International License.](https://creativecommons.org/licenses/by/3.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/3.0>



پښتانه، سڼی و گاو



✎ Fabian Wakholi!

✉ Marleen Visser, Ingrid Schechter

✉ Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-

e Danesh Library)

|| 2

دردی سرد



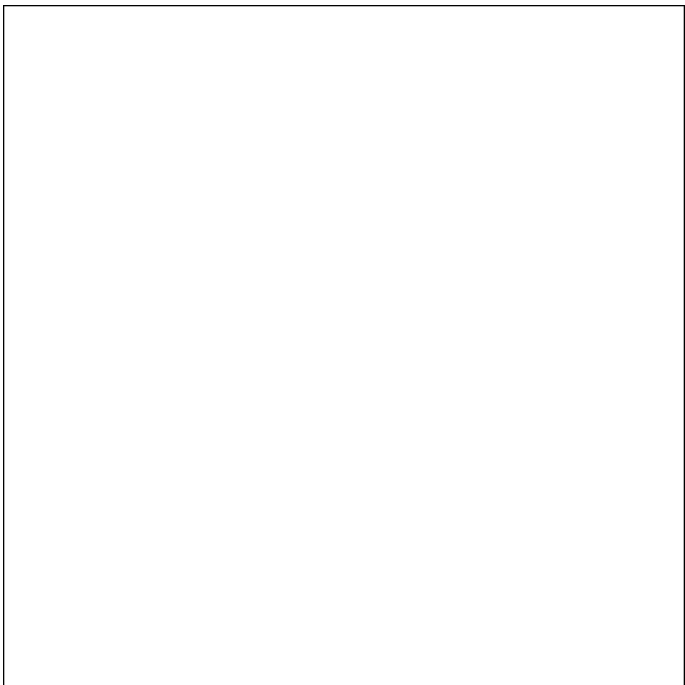
بُزْغَالِه، سَگ وَ گاو دُوسْتانِ خُوبی بُوْدَنْد.
رُوزی آن هَلَا با تَکْسی بَه مُسَلَفِرَت رَفْتَنْد.

پُر دَاخْت كَرْد.

پُر دَاخْت كَنْت. گاو كَرَايَه جَوَدَش رَا

رَا نَدِه از آن ه جَوَاست كه كَرَايَه شَان رَا

وَقِي اَن ه نَه پَا تَا نِ سَفَرِ شَان رَسْت نَدِنْد،





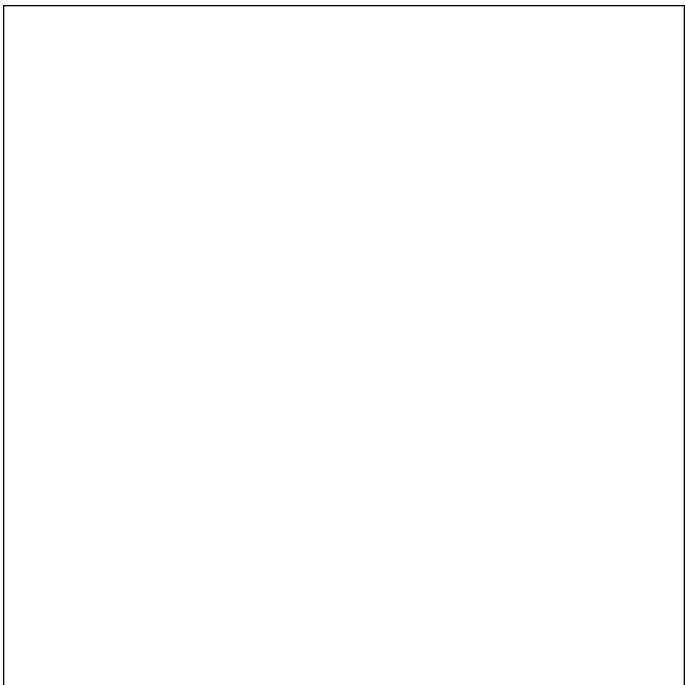
سگ چون پول می‌ده نداشت، پول بیشتری
به راننده داد.



گاو وقتی موتوری می‌آید، ناراحت نمی‌شود.
گاو وقتش را صرف عبور از خیابان می‌کند؛
چون می‌داند که او کرایه‌اش را کاملاً
پرداخت کرده است.

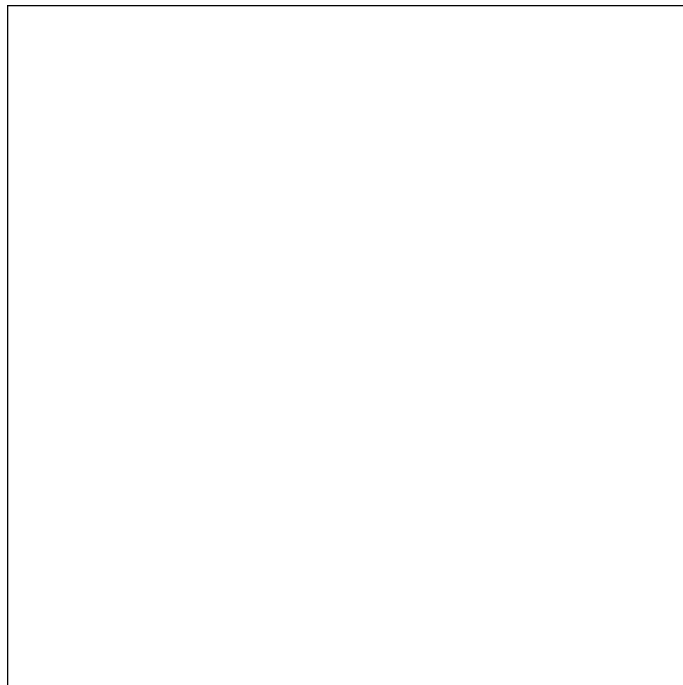
فرار کرد.

و اینکه قصه داشت باقی پول سنگ را به او
بدهد که دید بزغالہ بدوین تیرا جیت کراته



تھقیب ناشد.

بزغالہ از صدای مویر فرار می کند، زیرا
می ترسد به خاطر کراته تیرا جیت کراته





راننده خیلی جگرخون شد. بدون اینکه
بقیه‌ی پولِ سگ را پس دهد، حرکت کرد.



به همین دلیل، حتی امروز، سگ به سمت
موتر می‌دود تا دزدکی به داخل موتر نگاه
کند و راننده‌ای که به او پول قرض‌دار بود
را پیدا کند.